

درس نهم

کلاس را با تلاوت مناجاتی که از بردارید آغاز کنید و چند تن از کودکان نیز مناجات بخوانند. تاکنون لابد همه اطفال، مناجاتی که حفظ کردن آن را در درس چهار آغاز کردید، از بر نموده اند. در این جلسه این مناجات را بطور کامل با آنان مرور کنید. فعالیت بعدی کلاس بشرح زیر است:

الف) سرود (شامل بعضی از سرودهای قبلی)

مواسات

غذای خود به تو دهم	اگر خودم گرسنه ام
به تو ببخشم آب را	خودم اگر چه تشنه ام
غم تو باعث غم	سرور من ز شادی ات
محبت است دین ما	شعار ماست این صفت

ب) حفظ آیات

خداوند اراده فرموده که همه ما با شادی زندگی کنیم. او می خواهد که ما همیشه به دنبال راهی برای خدمت به دیگران باشیم و آنها را مسرور سازیم. برای آنکه بتوانیم بدین نحو زندگی کنیم، نباید فقط آنچه را برای خود می خواهیم برای دیگران نیز بخواهیم، بلکه باید حتی برای دیگران چیزهای بهتری طلب کنیم. بیایید با هم این بیان حضرت بهاءالله را از بر کنیم:

«طوبی لِمَنْ اخْتَارَ أَخَاهُ عَلٰی نَفْسِهِ» (۱۵)

«خوشا به حال کسی که برادرش را بر خود ترجیح دهد.» (ترجمه)

طوبی - خوشا به حال

۱- سیما کنارچاه آب بود. ولی وسیله ای برای بدست آوردن آب نداشت. سیما، با استفاده از هوش سرشار خود، طنابی به یک سطل بست و از چاه آب کشید. خوشا به حال سیما که خداوند به او هوش سرشار عطا فرموده.

۲- خانواده منصور هر روز صبح در خانه شان دعا می خوانند. خوشا به حال خانه منصور که این همه دعا در آن خوانده می شود.

اختار (ترجیح دهد)

۱- سینا بستنی سنتی و میوه ای هر دو را دوست دارد ولی اگر قرار باشد یکی را انتخاب کند، بستنی میوه ای را ترجیح می دهد.

۲- فواد، هم می تواند برای بازی بیرون برود و هم می تواند به پدرش کمک کند، او کمک به پدر را انتخاب کرد. فواد کمک کردن به پدرش را ترجیح داد.

حضرت عبدالبهاء همیشه ترجیح می دادند که از لباسهای ساده و ارزان استفاده نمایند و هرگاه لباس اضافی داشتند آن را به دیگران می بخشیدند. یک روز قرار بود به دیدن حاکم شهر عکا تشریف ببرند. منیره خانم همسر هیکل مبارک فکر کردند که عبا مبارک برای این دیدار مناسب نیست و نزد خیاط رفتند و عبا جدیدی سفارش دادند تا جایگزین عبا قبلی کنند. منیره خانم فکر کردند که مطمئناً حضرت عبدالبهاء متوجه تغییر عبا نخواهند شد چون تنها مسأله مهم برای آن حضرت تمیزی بسیار زیاد لباس بود. بالاخره روز ملاقات رسید. حضرت عبدالبهاء عبا جدید را ملاحظه فرمودند و در حالی که می فرمودند این عبا جدید متعلق به ایشان نیست به دنبال عبا قبلی خودشان می گشتند. منیره خانم توضیح دادند که به خاطر این ملاقات مهم این عبا را سفارش داده اند ولی حضرت عبدالبهاء آن را نپذیرفتند و فرمودند که با پول این عبا می توانستند پنج عبا ساده شبیه آنچه همیشه ایشان استفاده می نمودند تهیه کنند.

حضرت عبدالبهاء توضیح دادند که هیچ دلیلی وجود ندارد که چنین لباس گرانی برای ایشان تهیه شود و خواستند که عبا را به خیاط برگردانند و پنج عبا معمولی با پول آن تهیه نمایند و فرمودند: آن وقت شما ملاحظه می نمایید که من نه تنها یک عبا نو خواهم داشت بلکه چهار عبا دیگر هم برای تقدیم به دوستان دیگر به دست خواهم آورد.

د) بازی «حلزون»

همه کودکان صف بسته دست همدیگر را می گیرند. اطفال اوّل صف در جای خودشان می ایستند و بقیه اطفال دور تا دور آنها راه می روند و کم کم خود را پیچیده به شکل حلزون درمی آورند. تنوع و تغییر:

۱- اطفالی که در اوّل صف ایستاده اند حرکت دایره واری را شروع می کنند و سایر کودکان نیز حول آنها می چرخند (مواظب باشید پای همدیگر را لگد نکنند)

۲- وقتی اطفال شکل حلزون را درست کردند آنهایی که در وسط هستند قوز می کنند و زیر پای بقیه می روند. در همه حال باید دست همدیگر را در دست داشته باشند.

ه) رنگ آمیزی: طرح شماره ۹